تنها راه مرورى بر زيارت صاحب الامر(عج(

 دكتر صادق سهرابى

اشاره‌

در شيار اين‌ فرازها جريان‌ معرفتي‌ با سلام‌ و درود، شهادت‌ و شهود و توسل‌ و وسيله‌يابي‌ شكل‌ مي‌يابد. و در فراز و فرود و امواج‌ واژگان‌ اذهان‌ عاشقان‌ را به‌ ساحل‌ امن‌ <تنها راه> مي‌سپارد. به‌ او مي‌آموزد كه‌ بايد بركات‌ معرّفي‌ را با فتح‌ قلّه‌هاي‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ به‌ پيش‌ بَرَد و از همين‌ روست‌ كه‌ فرايند فرهنگ‌ انتظار را يكپارچه‌ و پيوسته‌ بايد گذر نمايد و از معبرهاي‌ <انتظار>، <توقع> و <ترقب> به‌ سلامت‌ عبور كند و آداب‌ عشق‌ را جانانه‌ مشق‌ كند.

اُشهِدُ اللّهَ وَ اُشهِدُ مَلائكَتَهُ و اُشهِدُكَ يا مَولايَ بهذا ظاهِرُهُ كَباطِنِه‌ و سِرُّهُ كَعَلانيَتِهِ وَ اَنتَ الشاهِدُ علي‌ ذلك‌ و هو عَهدي‌ اليك و ميثاقي‌ لديك‌ اِذ اَنتَ نظام‌ الدّين‌ و يَعسُوبُ المتّقين‌ و عزّ الموحدّين‌ و بذلك‌ امرني‌ ربّ العالمين.

گواه‌ مي‌گيرم‌ خدا را و گواه‌ مي‌گيرم‌ فرشتگانش‌ را و گواه‌ مي‌گيرم‌ تو را اي‌ مولايم! به‌ اين‌ اعتقاد قلبي‌ كه‌ نسبت‌ به‌ تو دارم. عقيده‌اي‌ كه‌ ظاهرش‌ مانند باطن‌ و سرّش‌ همانند آشكار آن‌ است‌ و تو خود بر آن‌ شاهدي و آن‌ عهد من‌ است‌ با تو و پيمان‌ من‌ است‌ در پيشگاه‌ تو؛ چون‌ تو خود نظام‌ دين‌ هستي‌ و پيشواي‌ متقيان‌ و عزّت‌ يكتاپرستان، و پروردگار جهان‌ مرا بر آن‌ امر فرموده‌ است.

بر ادّعا و اعتقاد خويش‌ گواه‌ مي‌گيرم‌ خداوند و فرشتگان‌ را و امام‌ زمان(ع) را به‌ عنوان‌ شاهد و گواه‌ خود ياد مي‌كنم.

و اعلام‌ مي‌كنم‌ كه‌ در ظاهر و باطن‌ و پنهان‌ و آشكار بر همين‌ مرام‌ هستم‌ (و در همين‌ جا دوباره‌ خود حضرت‌ را شاهد و گواه‌ مي‌آورم) <و انت‌ الشاهد علي‌ ذلك> و اين‌ به‌ نمايش‌ گذاشتن‌ اوج‌ اُنس‌ و قُرب‌ است. در ادامه‌ سخن‌ از عهد و ميثاق‌ با حضرتش‌ مي‌رود.

جريان‌ معرفتي‌ و اعتقادي‌ خود را نشان‌ دادم‌ و گواهي‌ دادم‌ كه‌ پنهان‌ و آشكارش‌ يكي‌ است؛ زيرا از نگاه‌ آسيب‌شناسي‌ اعتقادي‌ چه‌ بسا انسان‌ دچار آسيب‌هاي‌ <شك>، <شبهه>، <ريا> و <سمعه> شود؛ يعني‌ يا در ساحت‌ نظري‌ (شك‌ و شبهه) و يا در ساحت‌ عملي‌ (ريا و سمعه) ممكن‌ است‌ انسان‌ دچار آسيب‌ بشود.

اين‌ گونه‌ است‌ كه‌ در دعاي‌ دوران‌ غيبت‌ امام‌ زمان(ع) آمده‌ است:

وَاجعَل ذلك‌ منّا خالِصاً مِن‌ كُلّ شَك وَ شُبهَه`ٍ و رياءٍ و سُمعَه`ٍ حَتّي‌ لا نُريدَ بِه‌ غيرَكَ وَ لانَطلُبَ بِهِ اِلاّ وَجهَكَ.1

خداوندا! اين‌ عقيده‌ ما را از هرگونه‌ آسيب‌هاي‌ شك، شبهه، خودنمايي‌ و شهرت‌ خالص‌ گردان؛ تا اين‌كه‌ به‌ وسيله‌ آن‌ عقيده‌ فقط‌ تو را بخواهيم‌ و تو را طلب‌ كنيم.

دوباره‌ دلبر خود و امام‌ عصر خويش‌ را شاهد و گواه‌ مي‌گيرم، <و انت‌ الشاهد علي‌ ذلك> كه‌ تو بر اين‌ اظهار ارادت‌ و جريان‌ معرفتي‌ و اعتقادي‌ من‌ آگاه‌ هستي. چه‌ خوش‌ است‌ اين‌ اوج‌ اُنس‌ و قرب‌ و نجواي‌ عاشقانه!

در ادامه‌ عهد و ميثاق‌ خود را با تو ياد و بازخواني‌ مي‌كنم؛ چون‌ كه‌ تو نظامِ دين‌ هستي. قواعد علم‌ و اساس‌ آن‌ و قوام‌ و چهار چوب‌ علم‌ و دين‌ بر قامت‌ بلند تو استوار است. تو و اجداد معصومت‌ اركان‌ توحيد هستيد. آنان‌ كه‌ عهد و ميثاق‌ خود را از شما بگسلند و قطع‌ نمايند، از مدار حق‌ بيرون‌ شده‌اند و در مدار باطل‌ دچار تيه‌ و سرگرداني‌ گشته‌اند.

فَلَو تَطاوَلَتِ الدُّهُورُ و تمادَتِ الاَعمارُ لَم اَزدَد فيكَ اِلاّ يقيناً و لك‌ اِلاّ حُبّاً و عَلَيكَ اِلاّ مُتكِلاً وَ مُعتَمداً و لِظُهُورِكَ اِلاّ مُتَوَقِّعاً وَ مُنتَظِراً وَ لِجهادي‌ بَينَ يَدَيكَ مُتَرَقِّباً فاَبذُلُ نَفسي‌ وَ مالي‌ وَ وَلدي‌ وَ اَهلي‌ و جَميعَ ما خَولَني‌ رَبّي‌ بَينَ يَدَيكَ وَالتصَرُّفِ بَينَ اَمرِكَ وَ نَهيِكَ.

پس‌ اگر روزگاران‌ طولاني‌ و عمرها بلند شود جز اين‌ نيست‌ كه‌ يقينم‌ دربارهِ‌ تو افزون‌ مي‌شود و عشق‌ و دوستي‌ام‌ براي‌ تو زياد مي‌شود، و توكل‌ و اعتمادم‌ به‌ تو، افزايش‌ مي‌يابد. و براي‌ ظهور تو متوقع‌ و آماده‌ و پيوسته‌ مسئو‌ليت‌پذير خواهم‌ بود و در اين‌ آماده‌ بودنم‌ از انتظار و آمادگي‌ و توانمندي‌هاي‌ لازم‌ برخوردارم، و براي‌ جهاد در ركاب‌ و پيشگاه‌ تو چشم‌ به‌ راهم‌ و ديدباني‌ و رصدهاي‌ به‌ هنگام‌ و مناسب‌ انجام‌ مي‌دهم‌ (ثانيه‌ شماري‌ مي‌كنم). تا اين‌ كه‌ بخشش‌ كنم‌ جان‌ و مال‌ و فرزند و اهل‌ و عيالم‌ را و همه‌ دارايي‌ ام‌ را كه‌ پروردگار به‌ من‌ عطا كرده،‌ در پيشگاه‌ تو و همه‌ را در راه‌ امر و نهي‌ تو صرف‌ مي‌كنم.

اگر چه‌ دوران‌ غيبت‌ طولاني‌ شد و عمرهاي‌ بسياري‌ سپري، ولي‌ تاكنون‌ جمال‌ دل‌ آراي‌ تو را نديده‌ام‌ و هر چه‌ كه‌ بيش‌تر مي‌گذرد، پوچي‌ ادعاهاي‌ ديگران‌ را بهتر و بيش‌تر درمي‌يابم‌ و مشاهده‌ مي‌كنم‌ كه‌ ديگران‌ در بساط‌ خود چيزي‌ ندارند و تمامي‌ بَزَك‌ها و رنگ‌ها، رخسار زشت‌ خويش‌ را مي‌نمايند.

پس‌ ما به‌ باوري‌ عميق‌ و گسترده‌ دربارهِ‌ تو دست‌ مي‌يابيم‌ كه‌ واقعاً <تنها راه> تو را مي‌زيبد؛ <لم‌ ازدد فيك‌ الا يقيناً>. و آستانهِ‌ بلند يقين‌ و باورم‌ تنها جايگاه‌ قدم‌هاي‌ توست. ديوانه‌وار و مستانه‌ سرگردان‌ كوي‌ عشق‌ توام‌ و شكوفه‌هاي‌ محبت‌ و دوستي‌ تو را به‌ نظاره‌ مي‌نشينم؛ <ولك‌ الاّ حبّاً>.

با يقين‌ و حبّي‌ كه‌ نسبت‌ به‌ تو يافته‌ام‌ نمي‌توانم‌ به‌ غير تو دل‌ ببندم‌ و اعتماد كنم. فقط‌ راهبرد انتظار راه‌ به‌ جايي‌ مي‌برد؛ <و عليك‌ الاّ متكلا و معتمداً>.

با بينش‌ مهدوي‌ و گرايش‌ به‌ آن‌ و تكيه‌ بر راهبرد انتظار براي‌ ظهور خورشيد بايد گام‌ برداشت.

براي‌ آن‌ كه‌ خورشيد را از پس‌ ابرها بيرون‌ آوريم‌ و در آغوش‌ نگاه‌ خود بركشيم، بايد به‌ مقام‌ توقّع‌ و پيوسته‌ آماده‌باش‌ بودن‌ راه‌ يابيم‌ و هميشه‌ مسئو‌ليت‌پذير باشيم؛ <متوقّعاً>.

و به انتظار و آمادگي‌ و توانمندي‌هاي‌ لازم‌ بار يابيم‌ و در عرصه‌ها و ساحت‌هاي‌ گوناگون‌ فردي‌ و اجتماعي‌ از صلاحيت‌ها و آمادگي‌ لازم‌ برخوردار باشيم؛ ساحت‌هاي، عاطفي‌ و رفتاري؛‌ <منتظراً>.

ابوبصير از امام‌ صادق(ع) نقل‌ مي‌كند:

مَن سَرّ اَن يكون‌ مِن‌ اصحاب‌ القائم‌ فلينتظر وليعمل‌ بالورع‌ و محاسن‌ الاخلاق‌ و هو منتظر فان‌ مات‌ و قام‌ القائم‌ بعده‌ كان‌ له‌ من‌ الاجر مثل‌ اجر من‌ ادركه‌ فجدّوا و انتظروا هنيئاً لكم‌ ايّتها العصابه` المرحومه`.2

كسي‌ كه‌ مي‌خواهد از ياران‌ و اصحاب‌ امام‌ مهدي(ع) باشد، بايد انتظار بَرَد و ورع‌ و پاك‌دامني‌ پيشه‌ سازد و اخلاق‌ خويش‌ را نيكو كند. در اين‌ حالت‌ اگر بميرد و حضرت‌ حجّت‌ پس‌ از مرگ‌ او ظهور كند، پاداش‌ كسي‌ را دارد كه‌ آن‌ حضرت‌ را درك‌ مي‌كند. پس‌ تلاش‌ كنيد و در انتظار باشيد؛ گوارا باد بر شما اي‌ گروهي‌ كه‌ مورد رحمت‌ حق‌ قرار گرفته‌ايد.

مهدي‌ ياوران‌ وقتي‌ پس‌ از مقام‌هاي‌ <متوقع> و <منتظر> در مقام‌ <مترقب> جاي‌ مي‌گيرند، با <آماده‌ باشي‌ مستمر> و <توانمندي‌ لازم> اقدام‌ به‌ <ديدباني‌ و رصدهاي> به‌هنگام‌ مي‌كنند تا بتوانند جايگاه‌ خود را تبيين‌ كنند. هم‌ هدف‌ را رصد مي‌كنند و شرايط‌ و نشانه‌هاي‌ ظهور را زير نظر مي‌گيرند و هم‌ در نسبت‌سنجي‌ ميان‌ وضعيت‌ خود و شرايط‌ موجود بهترين‌ موضع‌گيري‌ را اتخاذ مي‌نمايند؛ <و لجهادي‌ بين‌ يديك‌ مترقّباً>.

مهدي‌ ياوران‌ پس‌ از توجه‌ به‌ اين‌ مقام‌ و محورها، با بذل‌ جان، مال، فرزندان‌ و اهل‌ و عيال‌ و تمامي‌ امكانات‌ در پيشگاه‌ امام‌ زمان‌ خود و صرف‌ آن‌ها براي‌ امر و نهي‌ او، از هيچ‌ چيزي‌ دريغ‌ نخواهند كرد.

فرهنگ‌ انتظار همهِ‌ اين‌ پيام‌هاي‌ هماهنگ‌ و همگرا را با هم‌ و به‌ گونهِ‌ نظام‌مند دارد. با چنين‌ بلوغ‌ و بالندگي‌ مي‌توان‌ همه‌ هستي‌ خود را در طبق‌ اخلاص‌ نهاد و تقديم‌ راهش‌ كرد.

مَولايَ فَاِن اَدرَكتُ اَيّامَكَ الزّاهِرَه`َ وَ اَعلامَكَ الباهِرَه`َ، فَها اَنَا ذاعَبدُكَ المُتَصَرِّفُ بَينَ اَمرِكَ وَ نَهيِكَ، اَرجُو بِهِ الشهادَه`َ بَينَ يَدَيكَ وَ الفوزَ لَدَيكَ.

مولاي‌ من! اگر ايّام‌ دولتِ درخشان‌ و شكوفاي‌ تو و پرچم‌هاي‌ نمايان‌ و نوراني‌ تو را درك‌ كردم، پس‌ من‌ آن‌ بنده‌اي‌ خواهم‌ بود كه‌ امر و نهي‌ تو را گردن‌ نهاده‌ و به‌ جاي‌ آورده‌ام، كه‌ به وسيلهِ‌ آن، آرزوي‌ شهادت‌ در پيشگاه‌ تو و كاميابي‌ در حضور تو را دارم.

اگر در آن‌ روزهاي‌ سبز و شكوفا كه‌ پرچم‌هاي‌ تو برافراشته‌ مي‌شوند، تو را در آغوش‌ ديدگانم‌ دريابم، من‌ آن‌ بنده‌اي‌ هستم‌ كه‌ در افق‌ نگاه‌ خود در پهناي‌ باور خويش‌ تنها امر و نهي‌ تو را جاي‌ مي‌دهم، و آرزويِ سبز من‌ با شهادت‌ سرخ‌ شكل‌ مي‌گيرد و برآورده‌ مي‌شود. اين‌ سان‌ است‌ كه‌ در باغ‌ دستان‌ تو شكوفه‌ مي‌كند و سروآسا قد مي‌كشد و سرافراز مي‌گردد و رستگاري‌ براي‌ من‌ به‌ ثمر مي‌نشاند.

انبيا و اوصيا نيز با فرياد <آه‌ آه‌ شوقاً الي‌ رُوِ‌يتهم>3 شعله‌هاي‌ شور خويش‌ را و طوفان‌ عشق‌ و بي‌ تابي‌ را به‌ امواج‌ واژگان‌ مي‌سپارند و رغبت‌ و اشتياقشان‌ را در پيشگاه‌ امام‌ زمان(ع) و اصحاب‌ او به‌ نمايش‌ مي‌گذارند.

امام‌ صادق(ع) مي‌فرمايد:

لَو اَدركتُهُ لَخَدمتُهُ ايّام‌ حياتي4

اگر دوران‌ ظهورش‌ و حضورش‌ را درك‌ كنم، همانا تمام‌ عمرم، در خدمتش‌ خواهم‌ بود.

ببينيد امام‌ صادق‌ چگونه‌ در آروزي‌ درك‌ حضورش‌ داد سخن‌ مي‌دهد و آرزوي‌ درك‌ دوران‌ او را در دل‌ دارد، چرا چنين‌ نباشد؟ همگان‌ در صف‌ خريداران‌ يوسف‌ زهرا سهم‌ مي‌ستانند و خريدار اويند.

<آمادگي> و <مسئوليت‌پذيري>، <ديدباني‌ و رصد كردن> را از همين‌ دوران‌ غيبت‌ بايد تمرين‌ كرد و پيوسته‌ در آرزوي‌ اطاعت‌ محض‌ و تقديم‌ جان‌ و توفيق‌ شهادت‌ در راهش‌ بود.

مَولايَ فَاِن‌ اَدرَكني‌ المَوتُ قَبلَ ظُهُورِكَ فَانّي‌ اَتَوَسلُ بِكَ وَ بِابائكَ الطّاهِرينَ الي‌ اللّه‌ تعالي‌ وَ اَسئلُهُ اَن يُصَلِيَ عَلي‌ مُحَمدٍ وَ الِ مُحَمدٍ وَ اَن‌ يَجعَلَ لي‌ كَره`ً في‌ ظُهُورِكَ وَ رَجعَه`ً في‌ اَيّامِكَ لاِ َبلُغَ مِن طاعتِكَ مُرادي‌ وَ اَشفِيَ مِن اَعدائكَ فُؤ‌ادي‌

مولاي‌ من‌ اگر پيش‌ از ظهورت‌ مرگ‌ من‌ فرا رسد، در اين‌ صورت‌ من‌ توسل‌ مي‌جويم‌ به‌ تو و پدران‌ پاك‌ تو به‌ درگاه‌ خداي‌ تعالي، و از او درخواست‌ مي‌كنم‌ كه‌ بر محمد و آل‌ محمد درود فرستد و اين‌ كه‌ در هنگام‌ ظهور تو بازگشت‌ و رجعتي‌ را براي‌ من‌ قرار دهد، تا در ايام‌ دولت‌ تو با اطاعت‌ و پيروي‌ از تو به‌ مقصودم‌ برسم، و از شماتت‌ دشمنانت‌ قلبم‌ را شفا دهم.

در زيارت‌ جامعه‌ كبيره‌ مي‌خوانيم:

مُؤ‌مِنٌ بِاِيابِكُم مُصَدّقٌ بِرَجعتِكم.

باور دارم‌ كه‌ شما پاكان‌ هستي‌ و خاندان‌ نور بار ديگر پيش‌ از قيامت‌ به‌ دنيا بازمي‌گرديد.

علماي‌ برجسته‌ شيعه‌ فرموده‌اند؛ در زمان‌ ظهور حضرت‌ مهدي(ع) امامان(ع) رجعت‌ خواهند كرد. گروهي‌ از مؤ‌منان‌ خالص‌ نيز به‌ اين‌ جهان‌ رجعت‌ مي‌كنند تا دين‌ خدا را و امام‌ زمان‌ را ياري‌ نمايند. هم‌ چنين‌ بعضي‌ از سر كرده‌هاي‌ ظلم‌ و كفر نيز به‌ دنيا باز مي‌گردند تا بازخواست‌ شوند و تازيانه‌هاي‌ عدالت‌ را مشاهده‌ نمايند.

البته‌ مخالفان‌ ما مسئلهِ‌ رجعت‌ را برنمي‌تابند و آن‌ را انكار مي‌كنند و به‌ ما دشنام‌ مي‌دهند. با اندكي‌ دقت‌ در بسياري‌ از آيات، غفلت‌ يا تغافل‌ آن‌ دسته‌ از بي‌خبران‌ زدوده‌ مي‌شود.

خداوند در قرآن، داستان‌ رجعتِ عزير و اصحاب‌ كهف‌ و قومي‌ از بني‌اسرائيل‌ را متذكّر شده‌ است،5

نيز در شرح‌ حال‌ بعضي‌ از نمايندگان‌ قوم‌ موسي(ع) چنين‌ مي‌فرمايد:

ثُمّ بعثناكُم مِن بَعدِ مَوتِكُم‌ لَعَلكُم تَشكُروُن6

سپس‌ شما را پس‌ از مرگتان‌ برانگيختيم‌ شايد شكر نعمت‌ او را به‌ جا آوريد.

وقتي‌ كه‌ نمايندگان‌ بني‌اسرائيل‌ سخن‌ گفتن‌ خداوند با حضرت‌ موسي‌ را دريافتند، گفتند:

حَتّي‌ نَرَي‌ اللّهَ جَهرَه`ً فَاَخَذَتكُمُ الصّاعِقَه....7

اي‌ موسي! ما به‌ خداوند ايمان‌ نمي‌آوريم‌ مگر اين‌ كه‌ خدا را آشكارا مشاهده‌ نماييم... .

در همين‌ حال‌ صاعقه‌اي‌ فرود آمد و آن‌ها را هلاك‌ كرد. حضرت‌ موسي(ع) به‌ خداوند عرض‌ كرد: <پروردگارا من‌ به‌ بني‌اسرائيل‌ چه‌ پاسخ‌ بدهم‌ و چگونه‌ بدون‌ اين‌ها به‌ سوي‌ آنان‌ برگردم؟> از اين‌ رو خداوند به‌ خاطر حضرت‌ موسي‌ ايشان‌ را زنده‌ كرد و بار ديگر به‌ دنيا بازگشت‌ و رجعت‌ نمودند.

امام‌ صادق(ع) فرمود:

آن‌ گاه‌ كه‌ زمين‌ دهان‌ باز كند، نخستين‌ كسي‌ كه‌ به‌ دنيا باز مي‌گردد امام‌ حسين(ع) است. البته‌ رجعت‌ براي‌ همهِ‌ مردم‌ نمي‌باشد، بلكه‌ براي‌ افراد مخصوص‌ است؛ زيرا فقط‌ اشخاصي‌ كه‌ مؤ‌من‌ خالص‌ يا مشرك‌ كامل‌ باشند بار ديگر به‌ دنيا باز مي‌گردند.8

امام‌ باقر(ع) فرمود:همانا حضرت‌ رسول(ص) و حضرت‌ علي(ع) به‌ دنيا باز خواهند گشت.9

از امام‌ صادق(ع) نقل‌ شده‌ است:

هر كس‌ چهل‌ صبح‌ دعاي‌ عهد را بخواند، از ياوران‌ حضرت‌ قائم(ع) مي‌شود و اگر پيش‌ از ظهور آن‌ حضرت‌ عمر خويش‌ را سپري‌ كند، خداوند او را از قبر بيرون‌ آورد كه‌ در خدمت‌ آن‌ حضرت‌ باشد و حق‌ تعالي‌ به‌ هر كلمه‌ هزار حسنه‌ او را كرامت‌ فرمايد و هزار گناه‌ او را بپوشاند.10

مَولايَ وَقَفتُ في‌ زيارتك‌ مَوقف‌ الخاطئين‌ النّادمين، الخائفينَ مِن عِقابِ رَبّ العالَمينَ وَقَدِ اتكلتُ عَلي‌ شفاعَتِكَ و رجوت‌ بموالاتك‌ و شفاعتك‌ محو ذنوبي‌ و ستر عيوبي‌ و مغفره` زللي‌ فكن‌ لِوَليّكَ يا مولاي‌ عند تحقيق‌ اَمَلِهِ واسئَلِ اللّه‌ غفران‌ زَلَلِهِ فقد تَعَلقَ بِحَبلك‌ وتمسك‌ بولايتك‌ و تبَرءَ من‌ اَعدائك‌.

مولاي‌ من، ايستاده‌ام‌ براي‌ زيارت‌ تو؛ همانند ايستادن‌ خطاكاران‌ پشيمان‌ و ترسان‌ از كيفر پروردگار جهانيان، من‌ تكيه‌ زده‌ام‌ بر شفاعت‌ تو و اميد بسته‌ام‌ به‌ دوستي و اطاعت‌ تو و اين‌ كه‌ شفاعت‌ تو گناهانم‌ را نابود كند و عيب‌ها و زشتي‌هايم‌ را بپوشاند و لغزش‌هايم‌ را بيامرزد. پس‌ تو اي‌ مولاي‌ من! دوستت‌ را به‌ آرزويش‌ برسان‌ و از خدا آمرزش‌ خطاهايش‌ را بخواه‌ كه‌ او به‌ رشته‌ ولايت‌ و محبّت‌ تو چنگ‌ زده‌ و از دشمنانت‌ بيزاري‌ جسته‌ است.

در زيارت‌ جامعه‌ كبيره‌ مي‌خوانيم:

يا وَلي اللّهِ اِن بَيني‌ وَ بَينَ اللّهِ ذُنُوباً لا يأ‌تي‌ عليها رضاكم‌ فَبِحَقٍّ مَنِ ائتَمَنَكُم عَلي‌ سِرٍّهِ وَ استَرعاكُم‌ اَمرَ خَلقِهِ وَ قَرَنَ طاعَتَكُم بِطاعَتِهِ لمّا استَوهبتم‌ ذُنوُبي‌ وَ كُنتُم شُفعائي.11

اي‌ وليّ خدا: من‌ مرتكب‌ گناهاني‌ شده‌ام‌ كه‌ اين‌ گناهان‌ ميان‌ من‌ و خداوند فاصله‌ انداخته‌ و رابطهِ‌ بندگي‌ من‌ با او را قطع‌ كرده‌ است‌ و جز خشنودي‌ و شفاعت‌ شما از ما شيعيان، چيز ديگري‌ نمي‌تواند آن‌ گناهان‌ را از بين‌ ببرد. پس‌ شما را سوگند مي‌دهم‌ به‌ حقّ كسي‌ كه‌ شما را امانتدارِ راز خويش‌ قرار داد، نيز سوگند مي‌دهم‌ شما را به‌ حقّ كسي‌ كه‌ امر مخلوقاتش‌ را به‌ شما واگذار كرد؛ يعني‌ شما را امام‌ و راهنماي‌ مردم‌ قرار داد، سوگند مي‌دهم‌ شما را به‌ كسي‌ كه‌ اطاعت‌ از شما را بر مردم‌ واجب‌ كرده‌ و آن‌ را در رديف‌ اطاعت‌ از خود ذكر كرده‌ است. آن‌ جا كه‌ فرمود:

) اَطيعواللّه‌ وَ اطيعُوا الرسُولَ وَاولِي‌ الاَمرِ مِنكُم.(12

اطاعت‌ كنيد خدا را و اطاعت‌ كنيد پيامبر خدا و صاحبان‌ امر را.

در دعاي‌ توسل‌ مي‌خوانيم:

‌اِنّا تَوَجهنا وَ استَشفَعنا وَ تَوَسلنا بِكَ اِلَي‌ اللّه.

ما با تو جهت‌ يابي‌ مي‌كنيم‌ و با همراهي‌ تو به‌ وسيله‌ تو سوي‌ او راهي‌ مي‌شويم و تمامي‌ پستي‌ها و آلودِگي‌ها را به‌ كناره‌ مي‌افكنيم.

اللهم‌ صَلّ علي‌ محمد و الِهِ، و اَنجِز لِوَليّكَ ما وَعَدتَهُ. اللّهم اَظهِر كَلِمَتَهُ وَ اَعلِ دَعوَتَهُ، وَ انصُرهُ عَلي‌ عَدُوّهِ وَ عَدُوّكَ يا رَب العالَمين.

پروردگارا، دورد فرست‌ بر محمد و آل‌ محمد و وفا كن‌ و عملي‌ گردان‌ به‌ آن‌ چه‌ كه‌ وليّت‌ را وعده‌ دادي. خدايا آشكار نما سخن‌ او را. دعوتش‌ را برافراز و بر دشمنش‌ و بر دشمن‌ خودت‌ او را ياري‌ فرما، اي‌ پروردگار جهانيان.

در آيات‌ قرآن‌ از وعده‌هاي‌ بسياري‌ نسبت‌ به‌ ظهور حضرت‌ سخن‌ به‌ ميان‌ آمده‌ است:

)وَعَدَ اللّهُ الذينَ امَنُوا مِنكُم وَ عَمِلوُا الصّالِحتِ لَيَستَخلِفَنهُم‌ في‌ الارضِ كَمَا استَخلَفَ الذينَ مِن قَبلِهِم وَ لَيُمَكّنَن لَهُم‌ دينَهُمُ الذي‌ ارتَضَي‌ لَهُم وَ لَيُبَدّلَنهُم‌ مِن بَعدِ خَوفِهِم اَمناً(13

خداوند به‌ كساني‌ از شما كه‌ ايمان‌ آورد و نيكوكار گردد، وعده‌ فرموده‌ كه‌ با ظهور امام‌ زمان‌ به‌ آن‌ها در زمين‌ خلافت‌ دهد؛ چنان‌ كه‌ امت‌هاي‌ صالح‌ پيامبران‌ گذشته، جانشين‌ پيشينيان‌ خود شدند (و علاوه‌ بر خلافت) دين‌ پسنديده‌ آنان‌ را بر همه‌ اديان‌ چيرگي‌ و برتري‌ عطا كند و به‌ همه‌ مؤ‌منان‌ پس‌ از خوف‌ و ترس‌ از دشمنان، ايمني‌ كامل‌ دهد.

ابو بصير مي‌گويد: <سأ‌لت‌ اباعبداللّه(ع) عن‌ قول‌ اللّه‌ تعالي‌ في‌ كتابه) هُوَ الّذي‌ اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالهُدي‌ وَ دين‌ الحَقٍّ لِيُظهِرَهُ عَلَي‌ الدّينِ كُلّهِ وَ لَو كَرِهَ المُشرِكُون(14

از امام‌ صادق(ع) دربارهِ‌ اين‌ آيهِ‌ شريفه‌ <و خداوندي‌ است‌ كه‌ پيامبرش‌ را با هدايت‌ و دين‌ حق‌ فرستاد، تا او را بر تمام‌ اديان‌ پيروز گرداند؛ اگر چه‌ مشركان‌ آن‌ را كراهت‌ داشته‌ باشند.> پرسيدم.

امام‌ در جواب‌ فرمود:<به‌ خدا قسم‌ هنوز موقع‌ تأ‌ويل‌ اين‌ آيه‌ نرسيده‌ است>. گفتم: <قربانت‌ گردم! چه‌ وقت‌ موقع‌ آن‌ فرا مي‌رسد؟> حضرت‌ فرمود:

هنگامي‌ كه‌ حضرت‌ قائم(ع) قيام‌ كند، موقع‌ تأ‌ويل‌ اين‌ آيه‌ فرا مي‌رسد، و چون‌ حضرت‌ قائم‌ قيام‌ كند هر كافر و مشركي، ظهور او را ناخوش‌ دارد؛ زيرا اگر كافر يا مشرك‌ در دل‌ سنگي‌ پنهان‌ شود آن‌ سنگ‌ صدا مي‌زند: اي‌ مُؤ‌من! كافر يا مشركي‌ در دل‌ من‌ پنهان‌ شده‌ است‌ بيا او را به‌ قتل‌ برسان! خداوند او را بيرون‌ مي‌آورد و ياران‌ حضرت‌ قائم‌ او را به‌ قتل‌ مي‌رسانند.15

اللهم‌ صَلٍّ علي‌ محمدٍ و آلِ محمّد، وَ اَظهِر كَلِمَتِكَ التّامه`َ وَ مُغَيبَكَ في‌ اَرضِكَ الخائِفَ المُتَرَقّبَ.

خدايا بر محمد و آل‌ محمد درود فرست، كلمهِ‌ تامه‌ات‌ و آن‌ پنهان‌ شده‌ در روي‌ زمينت‌ را و آن‌ ترسان‌ و مراقب‌ را ظاهر و آشكار فرما.

خدايا تو حجت‌ بر حق‌ و امام‌ زمان‌ را جلوهِ‌ تام‌ توحيد و از اركان‌ توحيد، قرار دادي‌ و معرفت‌ خود را در آينهِ‌ آن‌ امام‌ همام‌ بر همه‌ عالم‌ و آدم‌ به‌ نمايش‌ گذاردي. هم‌ اكنون‌ اين‌ خورشيد تابنده‌ در فراسوي‌ ابرها پنهان‌ شده‌ و نگران‌ حال‌ مؤ‌منان‌ است‌ و از ترس‌ نابخردان‌ و ظالمان‌ بدانديش، شرايط‌ و احوال‌ بشر را نظاره‌ مي‌كند و در انتظار اذن‌ ظهور است.

هم چنان‌ كه‌ در توقيع‌ شريف‌ مي‌فرمايد:

انّا غير مهملين‌ لمراعاتكم‌ و لاناسين‌ لذكركم‌ و لولا ذلك‌ لَنَزَل بكم‌ اللاواء وَاصطَلَمَتكُمُ الاَعداء.16

ما فارغ‌ از شما نشده‌ايم‌ و از رعايت‌ و عنايت‌ شما غافل‌ نگشته‌ايم‌ و اگر چنين‌ مي‌بود دشمنان‌ تاكنون‌ شما را نابود و ريشه‌ كن‌ كرده‌ بودند.

حضرت‌ در شرايط‌ موجود، مراقب‌ شيعيان‌ مي‌باشد و مراقب‌ حال‌ آنان‌ است‌ و با ارشاد و عنايت‌هاي‌ ويژه‌ هدايت‌شان‌ مي‌كند و...

اَللهُم انصُرهُ نَصراً عَزيزاً وَ افتَح لَهُ فَتحاً يَسيراً. اللّهُمَّ‌ وَ اَعِز بِهِ الدّينَ بَعدَ الخَموُلِ، واَطلِع‌ بِهِ الحَق بَعدَ الاُفُولِ، وَ اَجلِ بِهِ الظُّلمَه`َ وَاكشِف‌ بِهِ الغُمه`َ. اللهم‌ وَ آمِن بِهِ البِلادَ وَاهد بِهِ العِبادَ. اللهم‌ املا بِهِ الاَرضَ عَدلاً وَ قِسطاً، كَما مُلِئَت‌ ظُلماً وَ جَوراً، اِنكَ سميع‌ مُجيب.

خدايا او را ياري‌ كن، ياريِ با عزّت‌، و پيروزي‌ آسان‌ برايش‌ بگشاي. خدايا دين‌ را به‌ دست‌ او پس‌ از گم‌نامي‌ نيرومند گردان، و حق‌ را به‌ دست‌ او پس‌ از غروب‌ و افول‌ آن‌ پرفروغ‌ ساز. به‌ وسيلهِ‌ او ابرهاي‌ تيره‌ را زايل‌ كن‌ و اندوه‌ را به‌ وسيلهِ‌ او برطرف‌ فرما. شهرها را به‌ وسيلهِ‌ او امن‌ و امان‌ گردان‌ و بندگان‌ را به‌ وسيلهِ‌ او هدايت‌ فرما. بار خدايا زمين‌ را به‌ وسيلهِ‌ او پر از عدل‌ و داد گردان؛ هم‌ چنان‌ كه‌ از ظلم‌ و بيدادگري‌ پُر گشته‌ است؛ همانا تويي‌ شنوا و اجابت‌ كننده.

در زيارت‌ حضرت‌ صاحب‌ الامر17 مي‌خوانيم:<السلام‌ علي‌ ربيع‌ الانام‌ و نضره` الايّام؛ سلام‌ بر بهار مردم‌ و روزهاي‌ سبز و خرّم.>

همهِ‌ آسايش‌ و راحتي‌ها تنها در گرو دولت‌ كريمه‌ آن‌ عزيز سفر كرده‌ شكل‌ خواهد گرفت. از اين‌ رو بايد با رشد و بلوغ‌ اجتماعي، شناخت‌ و انتظار دولت‌ كريمه‌ به‌ يك‌ جريان‌ فكري‌ - اجتماعي‌ تبديل‌ شود و فرهنگ‌ مهدويت‌ را با سه‌ شاخصهِ‌ مورد نظر گسترش‌ داد:

1. رغبت‌ اجتماعي‌ به‌ دولت‌ كريمه؛‌

2. شكايت‌ اجتماعي‌ از وضعيت‌ نبودن‌ نبي‌ و غيبت‌ ولي؛‌

3. استعانت‌ اجتماعي‌.

در توقيع‌ شريفي‌ حضرت‌ به‌ اسحاق‌ بن‌ يعقوب‌ چنين‌ فرمود: <و اكثروا الدعاء بتعجيل‌ الفرج‌ فان‌ ذلك‌ فرجكم؛18 براي‌ تعجيل‌ فرج‌ بسيار دعا كنيد كه‌ فرج‌ شما همان‌ است.>

امام‌ حسن‌ عسكري(ع) نيز مي‌فرمايد:

و اللّه‌ ليغيبنّ غيبه`ً لا ينجو فيها من‌ الهلكه` الاّ من‌ ثَبتَهُ اللّهُ عزّ و جلّ علي‌ القول‌ بامامته‌ و وفقه‌ فيها للدعاء بتعجيل‌ فرجه.19

به‌ خدا سوگند [او] غيبتي‌ خواهد داشت‌ كه‌ در آن‌ تنها كساني‌ از هلاكت‌ نجات‌ مي‌يابند كه‌ خداوند آن‌ها را بر قول‌ به‌ امامتش‌ ثابت‌ قدم‌ داشته‌ و در دعا براي‌ تعجيل‌ فرجش‌ موفق‌ كرده‌ است.

اگر جامعه‌ بشري‌ با رشد و بلوغ‌ خود گام‌هاي‌ رغبت،‌ شكايت‌ اجتماعي،‌ و استعانت‌ اجتماعي‌ را در نوردد، دست‌ به‌ دعا بردارد و از خالق‌ هستي‌ درخواست‌ كند كه‌ آن‌ خورشيد از پَس‌ ابرها بيرون‌ آيد. با آمادگي‌ و آماده‌باش‌ بودن‌ و مسؤ‌ليت‌پذيري‌ خود و ديدباني‌ و رصد وضعيت‌ و آماده‌ كردن‌ شرايط‌ ظهور؛ عطش‌ و رغبت‌ خود را نسبت‌ به‌ امام‌ زمان‌ نشان‌ دهد و هميشه‌ دغدغه‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ را مطلع‌ و مطمح‌ نظر خود بداند، با دعاي‌ پيوسته‌ خود به‌ بلوغ‌ بارع‌ و بالنده‌ مهدوي‌ دست‌ مي‌يابد. چنين‌ انساني‌ زمينه‌هاي‌ ظهور را فراهم‌ مي‌سازد و هديه‌ فرج‌ را در دوران‌ <غيبت> و <ظهور> درك‌ و دريافت‌ مي‌نمايد؛ زيرا درك‌ و دريافت‌ فرهنگ‌ مهدويت‌ و امامت‌ آن‌ عزيز سفر كرده‌ و دعا براي‌ فرجش، هم‌ نعمت‌ و گشايش‌ دوران‌ <غيبت> است‌ و هم‌ فرج‌ و گشايش‌ براي‌ دوران‌ <ظهور> و حضورش.

السلام‌ عليك‌ يا وَلِي اللّهِ، ا‌ئذَن‌ لِوَليّكَ فِي‌ الدُّخُولِ اِلي‌ حَرَمِكَ، صَلَواتُ اللّهِ عَلَيكَ وَ عَلي‌ آبائِكَ الطّاهرينَ، وَ رَحمَه`ُ اللّهِ وَ بَرَكاتُهُ.

سلام‌ درود بر تو اي‌ وليّ خدا، اجازه‌ فرما به‌ دوستدارت‌ تا به‌ آستانهِ‌ حرمت‌ وارد شود، (و در پايان) درود و سلام‌ خداوند بر تو و بر پدران‌ پاكيزه‌ات‌ و بخشش‌ و رحمت‌ خدا و بركاتش‌ بر شما باد.

سلام‌ و درود خدا بر تنها راه‌ و بر گل‌ نرگس. اميد آن‌ داريم‌ كه‌ ما را به‌ آستانهِ‌ لطف‌ و عنايت‌ خود راه‌ دهد و از تمامي‌ فتنه‌هاي‌ آخر زمان‌ رهايي‌مان‌ بخشد.

او مي‌آيد، آري، گل‌ نرگس ، با گل‌ مريم‌ مي‌آيد، و او <تنها راه> است.